

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آ. کروگلیکوف* (Alexander Kruglikov)

برگردان: ا. م. شیری

۰۲ مارچ ۲۰۲۴

چگونه جهانی بدون خشونت و جنگ بسازیم؟



یادگیری درس تاریخ

«زمان آن فرارسیده است که کمونیست‌ها دیدگاه‌ها، اهداف، آرزوهای خود را در مقابل همه جهان آشکارا بیان کنند و

با مانیفست خود حزب، با افسانه‌های شبیح کمونیسم مقابله کنند». ک. مارکس، ف. انگلس

اگر همه نظام‌های سیاسی-اجتماعی دیگر با انبوهی از رذیلت‌های موجد و مروج بحران‌ها و جنگ‌های دائمی،

نابرابری‌های عظیم اجتماعی، گرسنگی و فقر آکنده نمی‌شدند. سوسیالیسم چشم‌اندازی نداشت. تضادهای ناشی از تقسیم

جامعه به طبقات و تشکیل دولت‌های متخاصم طبقاتی در دوران پیش از مسیحیت مورد توجه مؤرخان و فیلسوفان

یونانی و رومی، واعظان برجسته یهودی قرار گرفت. آن‌ها نابرابری اجتماعی، شرارت و حرص ثروت‌اندوزی را به

شدت محکوم کردند. پیامبران عاموس و اشعیا در قرن هشتم قبل از میلاد مسیح، بیان کردند که «زمین پر از نقره و طلا

است و گنجینه‌های آن پایانی ندارد» [عاموس و اشعیا، پسر عاموس، از پیامبران کوچک عهد عتیق. م.]. اما ثروت در

دست عده معدودی جمع شد. آن‌ها مخاطبان خطبه‌های نکوهشی بودند: «وای بر شما که خانه پس از خانه به دست

می‌آورید و مزرعه به مزرعه می‌افزایید، تا زمانی که حتی یک جای آزاد باقی نماند تا بتوانید تنها روی زمین زندگی

کنید»؛ «این کلام را بشنوید ای تلیسه‌های چاق... ای که به فقراء و تشنگانی که از اربابشان آب خواستند، ظلم می‌کنید، ستم روا می‌دارید... بشنوید ای که فقیران را می‌خورید و گرسنگان را هلاک می‌کنید. شما بشنوید ای که می‌گویند: فقراء را با پول می‌خریم...» [۱].

پس از ۱۰۰ سال، همان انگیزه‌های محکومیت نابرابری و اضطراب اجتماعی در آثار ادبیات یهودی آن زمان شنیده شد: «یک گفتار با سگ چه آرامشی می‌تواند داشته باشد و یک آدم ثروتمند با یک فرد فقیر چه آرامشی می‌تواند داشته باشد؟ همانطور که الاغ‌ها در دشت‌ها طعمه شیرها می‌شوند، فقراء نیز طعمه ثروتمندان هستند». آکادمیک ویچسلاو پتروویچ ولگین، محقق بزرگ تاریخ شکل‌گیری تفکر سوسیالیستی، بدرستی خاطر نشان کرد که ثروتمندان حتی در آن زمان با موفقیت با هر قدرت سیاسی سازگار شدند، با فاتحان رابطه برقرار کردند و توده‌های تحت ستم بیشترین بار فجایع را تحمل کردند. این امر باعث اعتراضات و قیام‌هایی شد که به زور اسلحه وحشیانه سرکوب شدند. تشکیل جوامع به اصطلاح «کمونیسم مصرفی» در دوران پیش از مسیحیت تاریخ بشر، شکل منحصر به فرد مقاومت در مقابل نظم‌های موجود بود. وجود آن‌ها در فلسطین، مصر و سایر کشورهای دنیای یونانی-رومی توسط فلاویوس، مؤرخ و فیلسوف، «نسخه‌های خطی قومران» اخیراً کشف شده در اسرائیل و اردن و داده‌های کاوش‌های باستان‌شناسی به اثبات رسیده است.

در کتاب اسقف خنوخ، یکی از مهم‌ترین آثار عهد عتیق، سخنان اتهامی خطاب به قدرتمندان جهان آن زمان و حال حاضر آمده است: «وای بر کسانی که خانه‌های خود را به گناه می‌سازند. همه آن‌ها از پایه‌هایشان ویران خواهند شد... وای بر شما ای ثروتمندان که به ثروت خود اعتماد می‌کنید... از تمام ثروت‌های‌تان محروم خواهید شد... کار زشت و بدی کردید، پس برای روز ریختن خون آماده باشید...». اسقف خنوخ به این تهدید قناعت نکرده، بلکه، بارها و بارها هشدار داد: «وای بر شما که به ناحق نقره و طلا جمع می‌کنید و می‌گویند: ما ثروتمند شده‌ایم و به هر چیزی که می‌خواهیم می‌رسیم. اکنون هر آنچه را که برنامه‌ریزی کرده‌ایم، انجام خواهیم داد. زیرا، پول جمع کرده‌ایم، خزانه‌هایمان مانند آب سرریز شده است... دروغ‌های شما نیز مانند آب سرریز خواهد شد. زیرا، ثروت شما پایدار نخواهد ماند. زیرا، این همه (ثروت) را از راه‌های ناپسند جمع کرده‌اید...».

نظم جهانی مبتنی بر میل به ثروت‌اندوزی، منجر به درگیری‌ها و جنگ‌های بی‌پایانی شد، که می‌توانست باعث طرد و اعتراض شود. قطعه‌ای از «کتاب اسرار» کشف شده در همان غارهای قومران، تصویری از جهان را بازتولید می‌کند که توسط کسانی که در این دنیای پر خشونت زندگی می‌کنند، طرد شده‌اند. واعظ سؤال کرد و خود پاسخ داد: «آیا همه ملت‌ها از دروغ متنفّر نیستند؟ اما در میان همه آن‌ها یافت می‌شود. آیا صدای حقیقت از زبان همه ملت‌ها شنیده نمی‌شود؟ اما آیا دهان و زبانی وجود دارد که به آن پای‌بند باشد؟ کدام ملت می‌خواهد مورد ظلم قوی‌تر از خودش قرار بگیرد؟ چه کسی می‌خواهد اموالش را با شرارت غارت کنند؟ و کدام ملت به همسایه خود ظلم نمی‌کند؟ کجایند آن مردمی که مال دیگری را غارت نمی‌کنند؟».

این‌ها فقط آموزه‌های اخلاقی نبودند. در منطقه بحر المیت، در یهودیه، در قلمرو اردن امروزی، در مصر، چندین قرن قبل از ظهور «عصر مسیحی» و در همان آغاز هزاره اول، جوامع متعددی بودند که به اصول و مبانی انسان‌گرایانه نهفته در بطن آرمان کمونیستی اعتقاد داشتند. مؤرخ رومی، پلینی بزرگ که با ارتش و سپاسیان به خاورمیانه آمد و بعداً در فوران وزوویوس در سال ۷۹ قبل از میلاد درگذشت، با توصیف جوامع اسنی در «تاریخ طبیعی» خود اعتراف کرد که آن‌ها «شگفت‌انگیزترین قبیله در جهان هستند... تعداد آن‌ها هر روز به دلیل ظهور انبوهی از تازه

واردان خسته جهان که امواج بخت آن‌ها را به آداب و رسوم اسنی‌ها جذب می‌کند، افزایش می‌یابد... نارضایتی از زندگی در میان افراد دیگر به افزایش تعداد آن‌ها کمک می‌کند...».

شرح مفصلی از جوامع اسنی در آثار فیلسوف فیلون که در آن عصر می‌زیسته، وجود دارد. او نیز خاطرنشان کرد که «اسنی‌ها مخالف هر گونه اکتساب بودند. در سکونت‌گاه‌های آن‌ها حتی کوچکترین نشانه‌ای از طمع یافت نمی‌شد. تمام زندگی در جوامع اسنی بر اساس اصول جمع‌گرایانه بود. «به گفته فیلون»، اسنی‌ها پول و مال نداشتند... اما خود را ثروتمندترین می‌دانستند. زیرا، بدرستی معتقد بودند که اعتدال و نیازهای محدود، مساوی با فراوانی است.»

اسنی‌ها با رد نهاد برده‌داری و دفاع از اصل برابری مردم، «اربابان (مالک بردگان) را نه تنها به عنوان افرادی ناعادل که برابری را خوار می‌شمارند، بلکه به عنوان افرادی شرور و ناقضان قانون و نهادهای طبیعت به مثابه مادری که همه را یکسان به دنیا آورده، تربیت کرده، مردم را نه تنها اسماً، بلکه در حقیقت برادران مشروع همدیگر کرده است، محکوم می‌کنند». اسنی‌های غرقه در این اعتقاد، در عرصه تاریخی به عنوان صلح‌طلبان سازگار عمل کردند. فیلون نوشت: «در میان آن‌ها صنعتگری که کمان، تیر، خنجر، کلاه‌خود، زره، سپر، و یا به طور کلی سلاح، ابزار و هر چیز دیگر لازم برای جنگ بسازد، یافت نمی‌شود.»

فیلون دریافت که اسنی‌ها، به لطف نظمی که ایجاد کرده بودند، از «آزادی واقعی» برخوردار بودند. او آن را در این واقعیت دید که «هیچ یک از آن‌ها چیزی از آن خود ندارند: نه خانه، نه برده، نه زمین، نه دام و نه وسیله دیگری برای کسب ثروت. آن‌ها با تحویل همه چیز به صندوق مشترک، از درآمد عمومی بهره‌مند می‌شدند. آن‌ها با هم زندگی می‌کنند و شراکت پدید می‌آورند... وقت خود را به نفع کار مشترک صرف می‌کنند... برخی از آن‌ها آگاه به امور کاشت و زراعت زمین، روی زمین کار می‌کنند، برخی دیگر مسوول گله‌ها هستند... دیگران از کندوهای عسل مراقبت می‌کنند. عده‌ای به صنایع دستی مشغولند... کسانی که حقوق می‌گیرند، آن را به یکی از خزانه‌دارها که با روش بالا بردن دست انتخاب می‌شود، می‌دهند. خزانه‌دار نیز... مواد غذایی و هر چیز دیگر مورد نیاز هستی انسان را می‌خرد... وجه اشتراک آن‌ها فقط سفره نیست... آنچه مال یکی شمرده می‌شود، مال همه است. به عکس، آنچه متعلق به همه است، متعلق به هر کس است.»

انسان‌گرایی ذاتی در هستی و زندگی روزمره جوامع اسنی در نگرش آن‌ها نسبت به سالمندان، بیماران و کودکان به وضوح آشکار است. شاهدان عینی گواهی می‌دهند که اگر فردی مریض می‌شد، از محل سرمایه‌های مشترک معالجه می‌شد و تا زمان بهبودی، مورد توجه و مراقبت جمعی قرار می‌گرفت. فیلون نوشت: «سالمندانی که فرزند نداشتند، معمولاً نه تنها با داشتن فرزندان زیاد، بلکه به عنوان داشتن فرزندان بسیار خوب از دنیا می‌رفتند؛ آن‌ها دوران پیری را در کمال شادی و زیبایی سپری می‌کردند. از طرف تعداد زیادی از مردم که مراقبت از آن‌ها را بیشتر با تصمیم داوطلبانه ضروری می‌دانند تا با قانون طبیعت، به آن‌ها امتیاز و افتخار اعطا می‌شد.»

محققان اذعان می‌کنند که اسنیسم اولین آرمان‌شهر شناخته شده اجتماعی بود که به واقعیت تبدیل شد. و بر اساس این واقعیت ک. مارکس و اف. انگلس در «مانیفست حزب کمونیست» به وضوح فرموله کردند که «کمونیست‌ها می‌توانند نظریه خود را در یک گزاره بیان کنند: نابودی مالکیت خصوصی» [۲]. می‌توان ادعا کرد که سبک زندگی و ایدئولوژی جامعه اسن-قومان نفی نظام طبقاتی استثمارگر را به تصویر می‌کشد و جایگزین انسان‌گرایانه بدون ستم انسان بر انسان، بدون خشونت و جنگ را نشان می‌دهد. و این قبل از میلاد مسیح اتفاق افتاد.

* - دکتر علوم تاریخی، عضو هیأت رئیسه انجمن دانشمندان سوسیالیست روسیه، نماینده مجلس

منابع:

[۱] ویچسلاو پتروویچ ولگین، مقالاتی در مورد تاریخ اندیشه‌های سوسیالیستی. - مسکو، ۱۹۷۵. - ص. ۶۵.

[۲] ک. مارکس، ف. انگلس، مانیفست حزب کمونیست، چاپ دوم - جلد ۴، ص ۴۳۸.

برگرفته از: روسو - وب‌سایت دانشمندان با گرایش سوسیالیستی

۱۱ اسفند- حوت ۱۴۰۲